

## مدرنیسم، پست مدرنیسم و حسابداری

مهرداد گلیجانی\*<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۷ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶

### چکیده

حسابداری در گذار از تاریخ باستان و دوره رنسانس به دوره انقلاب صنعتی و سپس پست مدرنیسم از رشد چشمگیری برخوردار بوده است. هدف این پژوهش بررسی چگونگی تأثیر مدرنیسم و پست مدرنیسم بر حسابداری و رشد و ترقی آن است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی- کیفی بوده و روش آن پس‌رویدادی (تاریخی) است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد حسابداری مرهون مدرنیسم و پست مدرنیسم است. این دو یک فرصت تاریخی را برای حسابداری فراهم آورده تا ضمن افزایش قدرت حرفه حسابداری، علاوه بر بسط چارچوب‌های مفهومی به هماهنگ‌سازی قواعد و استانداردها در سایه جهانی شدن بیانیدشد. حسابداری در بستر تاریخ از گذشته تاکنون در مسیر رشد بوده، در مدرنیته به بلوغ رسیده و در پست مدرنیسم به تکامل تدریجی خود ادامه خواهد داد.

### واژگان کلیدی

رشد حسابداری، انقلاب صنعتی، مدرنیسم، پست مدرنیسم.

۱- استادیار گروه حسابداری، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران. (m.golejani1@yahoo.com)

## ۱. مقدمه

تاریخ حسابداری را می‌توان به چهار دوره تقسیم‌بندی نمود:

۱- دوره باستان (تا ۱۴۵۳ میلادی)

۲- دوره سرمایه‌داری تجاری و رنسانس (تا ۱۶۳۷ میلادی)

۳- دوره انقلاب صنعتی (موج اول و دوم مدرنیته) (تا ۱۹۸۰ میلادی)

۴- دوره پست‌مدرنیسم (از ۱۹۸۰ تا کنون)

حسابداری در جهان نزدیک به ۶۰۰۰ سال سابقه دارد و تاریخ نخستین مدارک حسابداری کشف شده به ۳۶۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد. کهن‌ترین مدارک شناخته شده حسابداری لوح‌های گلین پرداخت دستمزد مربوط به تمدن سومر در بابل با قدمت ۳۶۰۰ سال پیش از میلاد مسیح می‌باشد و نشان می‌دهد که حسابداری در ابتدائی‌ترین شکل آن به منظور پرداخت دستمزد در بابل، مصر باستان و یونان قدیم بکار می‌رفته است. در تاریخ ایران باستان در تمام سلسله‌های هخامنشی، ساسانی و اشکانی طبقه‌بندی اجتماعی بر مبنای درآمد مالی صورت می‌گرفته است و عمل حساب و کتاب به سبب کاهش تجارت نقدی و وجود داد و ستد پایاپای مخصوص دربار بود (گلیجانی، ۱۳۸۰).

از دوران باستان تا اواخر قرون وسطی تنها پیشرفت قابل ذکر در عرصه دانش حسابداری، گسترش دامنه نگهداری حساب برای عملیات گوناگون حکومت‌ها و اشخاص بود. از اوایل قرن سیزدهم میلادی "دولت-شهرها" و یا "شهر-جمهوری‌ها"ی کوچکی خارج از سلطه پادشاهان و خوانین فئودال در ایتالیا کنونی، پا گرفت که فضای سیاسی-اقتصادی مناسبی را برای رشد سوداگری فراهم آورد. با رشد بازرگانی و صنعت و بانکداری در قرون سیزدهم و چهاردهم در تکنیک‌های نگهداری حساب و دفاتر نیز پیشرفت‌های مهمی حاصل شد. در اوایل قرن چهاردهم میلادی دو اصطلاح بدهکار و بستانکار که از دو واژه ایتالیایی دادن (dare) و گرفتن (avere) گرفته شده بود کاملاً رایج شد. پیشرفت جدید در قرن چهاردهم، ابداع شکل دو طرفه حساب بود؛ اما گسترش دفترداری دوطرفه به سراسر اروپا، مرهون انتشار کتاب ریاضیاتی است که "لوکا پاچولی" به سال ۱۴۹۴ میلادی تألیف کرده است (علیمدد و ملک آرایبی، ۱۳۹۴). انقلاب صنعتی که در قرن هیجدهم و با اختراع ماشین بخار توسط "جیمز وات" شکل گرفت باعث تحولات اقتصادی وسیعی گردید. اروپای بعد از رنسانس فرهنگی برای نخستین بار مواجه با موج اول مدرنیته (تجدد یا نوین‌گرایی همراه با پیشرفت) شد که با رهایی از سنت منشأ اومانیزم و لیبرالیسم اولیه گردید. بارزترین عرصه موج اول مدرنیته، قرار گرفتن ماشین در خدمت تولید بود که شیوه تولید را از تولید دستی به تولید کارخانه‌ای متحول کرد. کارگاه‌ها به کارخانجات بزرگ با حجم وسیع تولید تبدیل و بنیان رقابت بین واحدهای اقتصادی گذاشته شد. وجود رقابت نیاز به آگاهی از کم و کیف عملیات بوده که نیاز به آگاهی از بهای تمام شده محصول را ایجاب می‌نمود. در پاسخ به این نیاز نوعی حسابداری متناسب با آن به نام "حسابداری بهای تمام شده" یا "حسابداری صنعتی" یا "هزینه‌یابی" ابداع گردید (علیمدد و ملک آرایبی، ۱۳۹۴).

به دنبال انقلاب صنعتی و رشد واحدهای اقتصادی کلان و اجرای طرح‌های وسیع، نیاز به سرمایه‌های جدید و کلان نیز مطرح شد. از این رو زمینه پیدایش شرکت‌های تجاری فراهم آمد. رشد و توسعه شرکت‌های سهامی به پیدایش شمار طبقه‌ای از صاحبان سهام انجامید که در اداره شرکتی که سرمایه‌گذاری کرده‌اند، مشارکت مستقیم نداشته، بلکه از طریق هیأت مدیره‌ای که انتخاب می‌شود بر امور شرکت نظارت می‌نمایند (نظریه نمایندگی). از این رو مدیریت از مالکیت تفکیک و متمایز گردید. سازمان جدید سرمایه، نقش شرکت‌های تجاری و ایجاد بورس‌های اوراق بهادار باعث وارد شدن حسابداری به عرصه جدید به نام گزارشگری مالی شد. در پاسخ به این نیاز نهادهای حرفه‌ای حسابداری شکل گرفت و در اثر موج دوم مدرنیته ناشی از تنوع ابزار و روش‌ها و تکنیک‌های حسابداری و بالاخص ورود رایانه به پردازش اطلاعات مالی تحولی عظیم در حسابداری ایجاد و این نهادها ملزم به تدوین استانداردها و مقررات ارائه اطلاعات شدند. قدرت گرفتن نهادهای حرفه‌ای حسابداری ناشی از موج دوم مدرنیته به سبب تقویت نهادهای حرفه‌ای اجتماعی است.

با گسست از مدرنیته و ایجاد موج سوم تجدد که از آن به پست مدرنیسم یاد می‌شود، یک تحول تاریخی در حسابداری روی داده است. به گونه‌ای که نهادهای حرفه‌ای حسابداری از تنوع، کثرت، بی‌سامانی و پراکندگی در حوزه‌های قدرت استفاده بهینه نموده و ضمن تقویت سازوکارهای حرفه‌ای، در جهت همسان‌سازی استانداردهای گزارشگری اقدام نمودند.

هدف این مقاله به طور خاص بررسی اثرات مدرنیسم و پست مدرنیسم بر رشد و توسعه حسابداری است. ضرورت این بررسی ناشی از شناخت فرصت تاریخی برای دانش و حرفه حسابداری و ارائه طریق برای آینده آن است. این تحقیق درصدد پاسخ به سؤالاتی به شرح زیر است: آیا مدرنیسم و پست مدرنیسم بر رشد و توسعه حسابداری تأثیرگذار بوده است؟ استفاده از ویژگی‌های مدرنیسم و پست مدرنیسم چگونه می‌تواند به تقویت نهادهای حرفه‌ای حسابداری کمک نماید؟ شرایط زمانی مدرنیسم و پست مدرنیسم تا چه حدی در توسعه روش‌ها و تکنیک‌ها و استانداردهای حسابداری مؤثر است؟ مدرنیسم و پست مدرنیسم تا حدی می‌تواند به حرفه در جهت رسیدن به استانداردهای یکنواخت و همسان بین‌المللی مانند استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی<sup>۱</sup> کمک نماید؟ چرا ضرورت دارد که حرفه این فرصت تاریخی را درک نماید؟ پاسخ به سؤالات فوق قطعاً می‌تواند به درک موقعیت و جایگاه فعلی و آینده حسابداری کمک نموده و زمینه پژوهش‌های آتی را نیز فراهم آورد. در ادامه به مبانی نظری، پیشینه پژوهش و نتایج حاصل از آن می‌پردازیم.

<sup>۱</sup> - International financial reporting standards (IFRS)

## ۲. مبانی نظری و سوابق پژوهش

### ۲-۱. مدرنیسم و پست مدرنیسم

کلمه مدرن برای اولین بار در قرن ششم میلادی از ریشه Modernus و به معنی "رایج"، "جاری" و "مرسوم" مطرح و از قرن هفدهم وارد منازعات روشنفکری اروپا شد. واژه مدرنیته نیز که به معنی "تجدد" و "نوین‌گرایی همراه با پیشرفت" می‌باشد، از لحاظ ریشه‌شناسی به کلمات Mode و Fashion مرتبط بوده و مفهوم مدرن این کلمه برای اولین بار در آثار "ژان ژاک روسو"<sup>۲</sup> آمده است. شاید نخستین بار "هگل"<sup>۳</sup> تحلیل جامعی از انسان مدرن ارائه نمود؛ بنابراین منظور از مدرنیته "نو در برابر کهنه" و "حال در برابر گذشته است". "پل دومان"<sup>۴</sup> منتقد ادبی بلژیکی-آمریکایی در مورد مدرنیته می‌گوید "مدرنیته میل رسیدن به شروع جدیدی است همراه با خواست از میان برداشتن هر آنچه از قبل وجود داشته است" (بابایی، ۱۳۸۶). فلسفه مدرن موجب شکل‌گیری مدرنیسم (به معنی تجددخواهی) در زمینه ادبیات و هنر شد و موجب ایجاد مدرنیسم (به مفهوم نوسازی) در زمینه صنعت و تکنولوژی گردید. آنتونی گیدنز<sup>۵</sup> متفکر انگلیسی می‌گوید که مدرنیته دنیای متفاوت و جدیدی را نمایندگی می‌کند که بر سه اصل و یا سه شالوده بنا شده است که عبارتند از (دادگر، ۱۳۸۶):

الف- یک نگاه خاص به دنیا؛ یعنی نگاهی که معتقد است که انسان سرور و مالک دنیا است و می‌تواند در جهان ایجاد دگرگونی کند و به موازات آن یکسری ایده‌ها و مفاهیم را در فرهنگ سیاسی با خود به همراه آورد و دنیای جدیدی را رقم بزند. این مفاهیم، آزادی، برابری، فردگرایی، لیبرالیسم، خردگرایی و... هستند. بعبارت دیگر اگر بخواهیم از بعد فلسفی مدرنیته را تعریف کنیم برمی‌گردیم به همان مفاهیم نو مانند انسان‌گرایی یا نقش فعال و سروری انسان در جهان، استیلا بر طبیعت، ایده ترقی، خرد به عنوان دادگاه شعور بشری، افسون زدائی از جهان و... که از لحاظ فلسفی همگی به همان عصر روشنگری برمی‌گردد. به قول متفکر آلمانی "هابرماس"<sup>۶</sup> عصر روشنگری سه دستاورد مهم با خود داشته است که عبارت بودند از خردگرایی، فردباوری و سکولاریسم، اما به قول "گیدنز" مدرنیته بیش از یک نگاه فلسفی است و ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد.

ب- خصلت دوم مدرنیته مجموعه نهادهای اقتصادی مانند تولید صنعتی و اقتصاد آزاد است که مدرنیته را در این دوران جدید رقم می‌زند.

ج- خصیصه سوم، مجموعه‌ای از نهادهای سیاسی، برای ملت-دولت‌ها است. مدرنیته قدرت دولت را در خصوصی‌ترین جنبه‌های زندگی بشری توانا کرد. در پرتو کشفیات علمی در همه قلمروهای مورد علاقه انسان و مخصوصاً تاریخ، باستان‌شناسی و زبان‌شناسی عده‌ای از روحانیون کاتولیک که این کشفیات را با مندرجات کتاب مقدس موافق نیافتند

<sup>2</sup> - Jan Jak Rosso

<sup>3</sup> - Hegl

<sup>4</sup> - Pol Doman

<sup>5</sup> - Anthony Giddens

<sup>6</sup> - Habermas

جسته و گریخته چنین اظهار نظر کردند که بسیاری از مندرجات کتاب مقدس برای بیان حقایق ثابت و پایدار برای همه زمان‌ها و اعصار نیست، بلکه برای احساسات دینی مردمی است که در عصر معینی می‌زیسته‌اند و به همین دلیل حقایق دینی نیز مشمول تحول و پیشرفت‌های انقلابی علمی است و پایه پای تحولات علمی باید متحول شود. کلیسای کاتولیک با نهضت مدرنیسم به مخالفت برخاست و آن را از قبیل اظهار عدم معرفت خدا دانست و سوءفهم کشفیات علوم جدید خواند. "پاپ پیوس<sup>۷</sup>" پنجم (۱۹۷۰) مدرنیسم را حاصل ترکیب همه عقاید ارتدادی و الحادی خواند و پس از آن فکر مدرنیسم در داخل کلیسای کاتولیک از میان رفت.

در کلیساهای پروتستان مدرنیسم نهضت مشکلی نیست بلکه نوعی اظهار نظر و رأی آزاد درباره مسائل دینی است و با لیبرالیسم یا آزادی خواهی دینی مترادف است (مصاحب، ۱۳۳۳). اروپای بعد از رنسانس فرهنگی چند بار با موج تجدد رو به رو شده است:

موج اول: در قرن هیجدهم و با اختراع ماشین بخار توسط "جیمز وات" و انقلاب صنعتی در انگلیس (اومانیسم و لیبرالیسم اولیه و رهایی از سنت شکل گرفت).

موج دوم: لیبرالیسم اولیه باعث ناهنجاری و بحران‌های اجتماعی شد (ناسازگاری‌های اجتماعی ناشی از آزادی‌های بی‌حد و حصر و تقسیم جامعه به دو قطب غنی و فقیر). لیبرالیسم بی‌حد و حصر جای خود را به لیبرالیسم محدود و سازمان‌یافته داد و تاحدودی از آزادی فردی کاسته شد و بر قدرت دولت و اقتدار آن افزوده شد. از شاخصه‌های این دوره سرمایه‌داری سازمان‌یافته، دموکراسی سازمان‌یافته، انفعال تدریجی فرد و جامعه و قدرت فعالانه دولت است.

موج سوم: پست مدرنیسم یا پسامدرن. در همه حوزه‌های روابط اقتصادی و اجتماعی، اقتدار دولت و سیاست‌های اقتصادی و معرفت‌شناسی و علم، گرایش اساسی به سود، فردگرایی، تنوع، کثرت، بی‌سامانی و پراکندگی است. این تفکر، پست مدرنیسم نامیده می‌شود (بشریه، ۱۳۷۸). پست مدرنیسم را با اندیشمندانی همچون جانانان کالر،<sup>۸</sup> ریچارد رورتی،<sup>۹</sup> فلیکس گتاری،<sup>۱۰</sup> ژیل رولوز،<sup>۱۱</sup> پال دومان، ژاک لویدا،<sup>۱۲</sup> میشل فوکو،<sup>۱۳</sup> ژان فرانسوا لیوتار،<sup>۱۴</sup> ژان بوردیا،<sup>۱۵</sup> ژرژ باتای،<sup>۱۶</sup> نیچه،<sup>۱۷</sup> هایدگر،<sup>۱۸</sup> فروید<sup>۱۹</sup> و هوسرل<sup>۲۰</sup> می‌شناسند.

7 - Pope Pius

8 Janatan Kaler

9 - Richard Rorty

10 - Flix Gotary

11 - Jill Rollos

12 - Jack Lewida

13 - Michel Foucault

14 - Zan Fransoa Liotar

15 - Jan Bordea

16 - Jorj Batay

17 - Niche

18 - Haidger

19 - Freud

20 - Husserl

جامعه‌شناسان برای مدرنیسم چهار ویژگی قائلند (بشریه، ۱۳۷۴):

۱- گسترش و تأثیر علم و فناوری که زمینه‌ساز انقلاب صنعتی شد که جنبه اصلی آن عقلانی کردن تولید است.

۲- تحرک افزون‌تر (رشد شهرنشینی و مهاجرت).

۳- بوروکراتیک شدن حکومت‌ها (ظهور حکومت‌های مدرن برای راهبری دگرگونی اقتصادی و اجتماعی).

۴- تأکید بر فرد و بسط مفهوم آزادی.

باتوجه به مشکلاتی که مدرنیته (در موج اول و دوم) در جهان غرب بوجود آورد، پست مدرنیسم برای رهایی از آن مطرح شد؛ آن هم با شاخصه‌هایی از قبیل تکثرگرایی در حوزه معرفتی، بازگشت به معنویت، اخلاق و احترام به قرائت‌های مختلف (بشریه، ۱۳۷۴).

پست مدرنیسم تحت تأثیر اندیشه‌های "نیچه" تمامی مکتب‌های فکری و دانش‌های مدرن را مخرب روح انسانی و ناشی از تسلط منافع معین و جهان‌بینی معین می‌داند که موجب رفع مسئولیت و استقلال و شکوفائی انسان شده و بر این باور است که به هیچ نظریه‌ای نمی‌توان یقین کرد و هیچ مرزی برای تغییر جهان وجود ندارد (بشریه، ۱۳۷۴).

برخی از اندیشمندان غربی مانند "نیچه"، "میشل فوکو" و "لیوتار" گفته‌اند که پست مدرنیسم به معنی گسست از مدرنیته است و برخی مانند "هابرماس" معتقدند که پست مدرنیسم به معنای مدرنیته متأخر و یا ادای منطقی مدرنیسم و تکمیل پروژه ناتمام آن است (بشریه، ۱۳۷۸).

کلمه پست مدرنیسم ابتدا در سال ۱۹۱۷ میلادی به وسیله "توس رورلف با نویتس"<sup>۲۱</sup> فیلسوف آلمانی برای توصیف "هیچ‌گرایی" به کار گرفته شد. سپس در سال ۱۹۳۴ میلادی و در آثار منتقد ادبی اسپانیایی "فدریکو اونیس"<sup>۲۲</sup> در اشاره به واکنش علیه مدرنیسم ادبی بکار رفت. همچنین در سال ۱۹۳۹ میلادی بوسیله "برنارد ادنیگز"<sup>۲۳</sup> برای به رسمیت شناختن شکل مدرنیسم دنیوی و بازگشت به مذهب و توسط "آرنولد توین"<sup>۲۴</sup> برای ظهور جامعه توده‌یی بکار رفت. به هر ترتیب این کلمه در دهه اخیر ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ میلادی به اوج شهرت رسید. کاربرد این واژه در فلسفه به دهه ۸۰ میلادی برمی‌گردد. در سال ۱۹۷۵ میلادی "چارلز جنگز"<sup>۲۵</sup> این اصطلاح را برای معماری به کار برد که توسط "دنیل بل"<sup>۲۶</sup> در سال ۱۹۷۶ میلادی مورد نقد قرار گرفت (عضدانلو، ۱۳۹۱).

<sup>21</sup> -Tos Rollef Banoytes

<sup>22</sup> - Federico Oynes

<sup>23</sup> - Bernard Ednegzel

<sup>24</sup> - Arnold Toyen

<sup>25</sup> - Charles Jenges

<sup>26</sup> - Daniel Bell

## جدول ۱- ویژگی‌های جوامع سنتی و مدرن

پست مدرن	مدرن	سنتی
تنوع و کثرت در همه چیز	افراد و جامعه هریک در یک چیز تخصص دارند و نه همه چیز	جمع تخصص‌ها در یک فرد یا جامعه
پراکندگی	تراکم جمعیت، صنعت، تولید صنعتی و...	عدم تراکم انسان‌ها، فعالیت‌ها و...
هیچ‌گرایی	تفکر خردمدار و سکولاریسم	تفکر خدامدار
اقتصادمحوری	اقتصاد صنعتی، پیچیده و پویا	اقتصاد طبیعی و سنتی و غیرپویا
بازگشت به معنویت و اخلاق و احترام به قرائت‌های مختلف	فروپاشی سنت‌ها	حاکمیت سنت‌ها
مدیریت آزادی‌های فردی	بسط مفهوم آزادی در همه ابعاد	عدم آزادی فردی
استانداردسازی در تمام ابعاد	یکسان‌سازی و استانداردسازی	وجود استانداردهای متفاوت
حاکمیت علم و فناوری	استفاده از علم برای بسط تکنولوژی	تقدم تکنولوژی نسبت به علم
کثرت و تنوع و بی‌سامانی در همه ابعاد	تمرکزگرایی در همه ابعاد	عدم تمرکز
فردگرایی	ملی‌گرایی	قبیله‌گرایی
دوره‌ی مدیریت محیط	دوره کنترل محیط	تسلط محیط بر انسان
تشکیل خانواده‌های کوچک و منفرد	تشکیل خانواده‌های کوچک و منفرد	تشکیل خانواده‌های بزرگ
تولیدات متنوع همراه با توجه به خواست مشتری	دور کوتاه تولید و تولید برحسب سفارش	دور طولانی تولید و تولید سری میلیون‌ها محصول مشابه و استاندارد
مشتری‌مداری و کیفیت بالا	مشتری‌مداری	عدم توجه به خواست و نیاز و رضایت مشتری
مدیریت شبکه‌مدار	مدیریت هرم‌مدار	مدیریت مهارت‌مدار
جبران هزینه‌های زیست محیطی	توجه خاص به عوارض زیست محیطی	بی‌توجهی به عوارض زیست محیطی
نقش و قدرت بیشتری نهادهای مدنی و حرفه‌ای	تقویت نهادهای اجتماعی، مدنی و حرفه‌ای	حاکمیت متمرکز دولت‌ها
هیچ نظریه‌ای قابل تعیین نیست	تکثرگرایی و پیدایش نظریات متنوع و جدید بالاخص در حرفه حسابداری	مطلق‌گرایی در حوزه نظریه
همسان‌سازی گزارش‌گری مالی بین‌المللی	توسعه روش‌های حسابداری جدید	حسابداری سنتی

## ۲-۲. پیامدهای محیطی مدرنیسم و پست مدرنیسم

جفری بارکلو<sup>۲۷</sup> (۱۹۶۴) تحولات اساسی در علم و تکنولوژی، جنبش‌های ضد امپریالیستی در جهان سوم، تغییر از فردیت به جامعه انبوه، چشم‌انداز نو به دنیا و اشکال جدید فرهنگ را مشخصات دوره‌های مدرن و پست مدرن می‌داند. وجه مشترک جوامع فئودالی (سنتی) نوعی تفکر خدامدار، اقتصاد طبیعی و حاکمیت سنت غیرپویا (ایستا) است. نوگرایی (مدرنیسم) پرچمدار خردمداری، اقتصاد کالایی و جهان‌گشایی سرمایه‌داری، فروپاشی سنت و پیدایش جامعه مدنی است. اقتصاد هم به عرصه عمومی وارد می‌شود و زن بطور جدی و برابر به عرصه اقتصاد وارد می‌شود؛ می‌گویند میزان پیشرفت و آزادی را در یک جامعه باید با نگاه کردن به وضعیت زنان آن جامعه دریافت.

مدرنیسم بیشتر نو شدن و تحول در اقتصاد و تکنولوژی و جوانب دیگر جامعه را در نظر دارد. واژه‌هایی که مدرنیسم در آن متجلی گشت علم، هنر، فلسفه و تکنولوژی است. "ماکس وبر"<sup>۲۸</sup> معتقد است که در روزگار مدرن نمی‌توان سرمایه‌داری را صرفاً بعنوان پدیده و مفهومی اقتصادی تلقی نمود.

بسیاری بر این باورند که مدرنیته یعنی پیروزی خرد انسانی بر باورهای سنتی، رشد اندیشه علمی و خردباوری، افزون شدن دیدگاه فلسفه نقادانه که همه با سازوکار تازه تولید و تجارت همراهند، شکل‌گیری قوانین مبادله کالاها و به تدریج سلطه جامعه مدنی بر دولت‌ها. به این اعتبار مدرنیته مجموعه‌ای است فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، فلسفی، اقتصادی و مدیریتی که هرگونه نیروی خارج از ساحت خرد آدمی، نخست بی‌اعتبار و سپس یکسره انکار می‌شود.

باور بنیادی به مدرنیسم اعتقاد به استفاده دولت‌ها از نظریات علمی و اجتماعی و مداخله در کلیه مسائل اجتماعی را ایجاب می‌نمود و همزمان با رشد نیازهای اقتصادی متعدد انسان‌ها، بوروکراسی‌های عریض و طویل با ویژگی‌های باقیمانده تا امروزه از آن دوران ظهور و گسترش یافت. با گذشت زمان دگرگونی‌های مختلف در جوامع و در محیط‌های سازمانی منجر به کمرنگ شدن بسیاری از ارزش‌های دنیای مدرن شد. کاهش منابع طبیعی، جنگ‌های خانمانسوز، آلودگی محیطی، جنگ سرد بین ابرقدرت‌ها، توقعات جدید طرح شده در محیط کار، گرایش‌های اجتماعی جدید و بروز مسئولیت‌های اجتماعی متناسب با آن برای سازمان‌ها و مدیران و سلب شدن تدریجی اعتماد نسبت به نهادهای استقرار یافته، اسباب تضادهای اجتماعی را فراهم آورد.

پیش از انقلاب صنعتی مردم از راه کارآموزی و شاگردی در پیشه‌ها و صنایع به آن اندازه ماهر می‌شدند که دیگر نیازی نداشتند که کسی به آنان چگونگی طرح‌ریزی، سازماندهی و کنترل را آموزش دهد. آنان آنچه را که انجام می‌دادند دقیقاً آموخته بودند. از سویی دیگر بسیاری نیز به عنوان غلام و برده در خدمت و استثمار اربابان بودند. افراد چرخ‌دنده‌های ماشین بودند (بوج و دنهی، ۱۹۹۹).

از دیدگاه جامعه‌شناسی مدرنیته بر عقلانی‌سازی ساختار اقتصادی و اداری و تفکیک ساختاری جهان اجتماعی اشاره دارد (ساوجی، ۱۳۸۸).

<sup>27</sup> - Jeffrey Barclow

<sup>28</sup> - Max Weber



در گذشته در جوامع صنعتی، تولید انبوه، پیشرفته‌ترین و کارآمدترین شکل تولید بوده است؛ اما امروزه در جوامع مدرن، تولید، خانواده، بازار کالا و بازار کار نیز به تدریج به اجزاء کوچکتر و متنوع‌تری تقسیم می‌شوند. در عصر صنعتی، صنعت مبتنی بر نگرش "دکارتی" بود، بدین معنی که کالاها به قطعات و اجزاء کوچکتر تقسیم و سپس با زحمت زیاد مجدداً روی هم سوار می‌شوند؛ درحالی‌که ساخت و تولید در جوامع مدرن "فردکارتی" یا "کل‌گرا" می‌باشد. در جوامع صنعتی، تولید مبتنی بر "دور طولانی" یعنی تولید سری میلیون‌ها محصول مشابه و استاندارد در هر دور بوده در مقابل، تولید در جوامع مدرن مبتنی بر "دور کوتاه" یعنی تولید کالاهای نیمه سفارشی یا کاملاً سفارشی است. تحول مهم دیگری که در جوامع مدرن در مدرنیته رخ داد توجه به اهمیت رضایت مشتری است (تافلر، ۱۳۷۷).

بوج و دنهی<sup>۲۹</sup> (۲۰۰۰) "پیش‌مدرن را مدیریت مهارت‌مدار، مدرن را مدیریت هرم‌مدار و پست‌مدیریت را مدیریت شبکه‌مدار می‌نامند".

از پیامدهای دیگر پست‌مدیریت مخالفت با رشد اقتصادی به بهانه‌ی ویرانی محیط زیست است. در دهه ۱۹۸۰ دوران تاخت و تاز، رشد و در عین حال دگرگونی پست‌مدیریت آغاز شد؛ تا جایی که در اواخر این دهه زنجیره‌ای از حرکات خلاق و جدید به وقوع پیوست که به عناوین مختلف پست‌مدرن نامیده می‌شد مانند مدیرت ساخت‌گرا و پست‌مدیریت محیط زیستی. پست‌مدیریت درحقیقت شکل جدید سرمایه‌داری است به نحوی که تولید فرهنگی به شکل فزاینده‌ای جذب تولید کالا می‌شود.

مدیریت پست‌مدیریت، مؤلفه‌های مدیریت را به گونه‌ای دیگر مطرح و تعریف می‌کند. مؤلفه‌های برنامه‌ریزی، سازماندهی، فرماندهی، هماهنگی و کنترل، در مدیریت پست‌مدیریت به ترتیب به صورت نوآوری و ابتکار، سازماندهی فعال، ترغیب، هم‌آفرینی و خودکنترلی مطرح می‌شوند (میرسپاسی، ۱۳۸۳).

## ۲-۳. پیامدهای حسابداری مدیرت و پست‌مدیریت

آنتونی گیدنز جهانی شدن را استمرار مدیرت می‌داند. در نگاهی به مبانی نظری جهانی شدن "پان آرت شولتز"<sup>۳۰</sup> جهانی شدن را دارای چهار ویژگی: (۱) سکولاریسم (۲) انسان‌محور بودن (۳) ابزارگرایی و (۴) تجربه‌گرایی می‌داند (یزدخواستی و اسماعیلی، ۱۳۸۵). در بستر ناشی از مدیرت است که همگرایی جهانی تشدید شده و میل به تبدیل شدن به یک جهان و یک پرچم تقویت و نهادهای حرفه‌ای از جمله در حوزه حسابداری تمایل به وضع استانداردهای مالی و گزارشگری واحد را مطرح نموده‌اند؛ که نمونه بارز آن IFRS (استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی) است. IFRS تاکنون توسط بسیاری از کشورها پذیرفته شده و رعایت آن الزامی شده است. استفاده از این فرصت تاریخی به منزله حرکت حرفه حسابداری به سمت یک دنیا و یک استاندارد واحد حسابداری است. استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی که توسط هیأت استانداردهای حسابداری بین‌المللی (IASB)<sup>۳۱</sup> تدوین شده به مجموعه‌ای از استانداردهای

<sup>29</sup> - Boje and Dennehy

<sup>30</sup> - Pan Art Choltes

<sup>31</sup> - International Accounting standards Boards

حسابداری گفته می‌شود که به هدف تهیه صورت‌های مالی شرکت‌های سهامی در قالب یک استاندارد جهانی ارائه شده است.

با پذیرش IFRS یک شرکت می‌تواند صورت‌های مالی خود را با اصول مشابه با شرکت‌های رقیب خارجی ارائه کند. در نتیجه قابلیت مقایسه بین اطلاعات این شرکت‌ها در ابعاد جهانی وجود داشته و علاوه بر آن شرکت‌های مادری که شرکت‌های تابعه آن‌ها در سایر کشورهایی وجود دارند که IFRS را پذیرفته‌اند، قادر خواهند بود تا یک زبان مشترک حسابداری داشته باشند. از طرف دیگر IFRS می‌تواند برای شرکت‌هایی که قصد سرمایه‌گذاری خارجی و فعالیت برون‌مرزی دارند نیز سودمند باشد.

در بستر مدرنیسم و پست‌مدرنیسم است که چنین فرصت ارزشمند تاریخی برای حرفه حسابداری پیش آمده که باید نهایت استفاده از آن بشود تا از دخالت دولت‌ها و دیگر مراجع در فرآیند تدوین استانداردها جلوگیری شود. طبق اعلام مؤسسه حسابداری "پیلوت" (۲۰۱۷) تنها ۲۳ کشور IFRS را اجرایی کرده‌اند. اگرچه مهمترین ذینفع استانداردهای بین‌المللی بازارهای سرمایه دنیا می‌باشند، اما اجرای این استانداردها منافع زیادی برای دولت‌ها نیز دارد.

در ایران طبق اعلام سازمان حسابرسی اجرای IFRS برای برخی از شرکت‌ها و بانک‌های ایرانی الزامی تشخیص داده شده و بورس اوراق بهادار ایران نیز تأکید بر استفاده شرکت‌ها از IFRS را دارد که گامی خوب در هماهنگ‌سازی برای اجرای این استانداردها تلقی می‌شود. لازم به ذکر است که پذیرش یا عدم پذیرش این استانداردها نیاز به بحث مستقلی دارد که از حیطه این نوشتار خارج است.

از سوی دیگر حرفه‌ها و مشاغل بزرگ مانند حرفه حسابداری نیاز به رسمی‌سازی، متمرکز شدن و تخصصی شدن دارد امری که جامعه‌شناس "ماکس وبر" به آن نظر دارد. در نظریه وی مشاغل بزرگ همانند حکومت کردن و نظارت گسترده، باید رسمی‌سازی، استانداردسازی، متمرکزسازی، عادی‌سازی و تخصصی شود.

در عصر مکاتب اقتصاد در مدیریت (آدام اسمیت<sup>۳۲</sup>، ماکس وبر، فردریک تیلور<sup>۳۳</sup> و التون مایو<sup>۳۴</sup>) مدیریت بر مبنای هدف، استراتژی‌های مدیریت و سیستم‌های اطلاعات مدیریت و حسابداری در رابطه با کنترل و یافتن روش‌هایی برای بازرسی و کنترل به کار گرفته می‌شدند تا اینکه پیشگامان جدید سازمان‌ها را به صورت یک کل در نظر گرفتند که بخش‌هایش از هم جدا نیستند و مهارت‌ها بالا و چندبعدی، انعطاف‌پذیری بالا و شامل شبکه‌های خود طرح‌ریز است. در این وضعیت طرح اولیه پست‌مدرنیسم عبارت از آزادی هر گروه زیر فشار و کنترل، به گونه‌ای که از هرگونه اجبار، ترس و تهدید آزاد شود (بوج و دنهی، ۱۹۹۹).

در دوره مدرن باتوجه به جهانی‌بینی و مشخصه‌های مدرنیته، تحولات بسیاری در حوزه مدیریت، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... رخ داد. این تحولات سبب شد که هم روش‌های اندازه‌گیری و هم نظریه‌ها و تئوری‌های زیربنائی این

<sup>32</sup> - Adam Smith

<sup>33</sup> Frederick Taylor

<sup>34</sup> - Elton Mayo

حوزه‌ها را تحت تأثیر قرار داده و باتوجه به اقتضای شرایط دوره مدرن، روش‌های اندازه‌گیری و نظریه‌ها و تئوری‌های جدید بوجود آید (رهنمای رود پستی و همکاران، ۱۳۹۳)، از این منظر است که رویکرد تدوین استانداردهای حسابداری از بهای تمام شده تاریخی به ارزش منصفانه تغییر یافته است.

پیدایش و ظهور سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی بزرگ، رویکرد علمی را در مدیریت این بنگاه‌ها بوجود آورده است. به بیان دیگر باتوجه به محیط پرچالشی که بنگاه‌های در آن مشغول به فعالیت هستند دیگر تنها یک نوع سازماندهی پاسخگو نیست، بلکه سازماندهی براساس چالش‌ها و مسائل پیش رو تعیین می‌شود. تئوری سازمانی مدرن تحت تأثیر نظریه احتمالات ایجاد می‌شود. در رویکرد جدید مدیریت، مفهوم ارزش نزد مدیریت بنگاه‌های اقتصادی تغییر کرده است. ارزش از دید مدیران، آن چیزی است که مشتریان آن را ارزش می‌پندارند (دراکر، ۱۳۸۰). لذا در این دوره است که مباحث جدیدی در حوزه مدیریت و حسابداری از قبیل مدیریت مبتنی بر فعالیت (ABM)<sup>۳۵</sup>، مدیریت هزینه (CM)<sup>۳۶</sup>، هزینه‌یابی مبتنی بر فعالیت (ABC)<sup>۳۷</sup>، بودجه‌بندی مبتنی بر فعالیت (ABB)<sup>۳۸</sup>، هزینه‌یابی مبتنی بر هدف (OBC)<sup>۳۹</sup>، هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت مبتنی بر زمان (TDABC)<sup>۴۰</sup> و... طرح و مورد توجه بنگاه‌های اقتصادی قرار می‌گیرد.

پیشرفت سریع و شگرف فناوری همراه با افزایش روزافزون رقابت در بازارهای جهان، مدیران واحدهای اقتصادی را ناگزیر از تولید محصولات با کیفیت بالا، ارائه خدمات مطلوب به مشتریان و درعین حال با کمترین بهای تمام شده کرده است. این انتظارات الزامات بیشتری را از لحاظ تأمین اطلاعات مورد نیاز برای سیستم حسابداری ایجاد می‌کند. از اینرو بسیاری از واحدهای اقتصادی به تدریج از دیدگاه‌های حسابداری بهای تمام شده سنتی فاصله گرفته و به سمت حسابداری مدرن حرکت نمودند. توجه به تفاوت‌های بهای تمام شده و حسابداری مدیریت نشان می‌دهد که ظهور حسابداری مدیریت و تکنیک‌های آن تحت تأثیر عواملی چون رقابت، جهانی شدن، پیشرفت علم، رویکرد علمی شدن مدیریت و... است که جملگی از مفاهیم مدرنیته است. *پیشرفت‌های انسانی و مطالعات فرهنگی*

تحت تأثیر مدرنیته و پست مدرنیته است که از اوایل دهه ۸۰ میلادی سازمان‌ها به این نتیجه رسیدند که برای بقای خود و ارائه خدمات برتر به مشتریانشان بایستی شیوه و فرآیندهای خود را بهبود بخشند و ضمن افزایش مستمر کیفیت، هزینه‌ها را به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش دهند.

تفکر ایجاد ارتباط بین هزینه‌ها و فعالیت‌ها در دوره مدرنیته (اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ میلادی) در آثار "سالومنز"<sup>۴۱</sup> و "استاباس" دیده شده، اما در پست مدرنیته بصورت آکادمیک در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی توسط "کوپر"<sup>۴۲</sup> و "کاپلان"<sup>۴۳</sup>

<sup>35</sup> - Activity Based management

<sup>36</sup> - Cost management

<sup>37</sup> - Activity Based costing

<sup>38</sup> - Activity Based Budgeting

<sup>39</sup> - Objectivity Based costing

<sup>40</sup> - Time Driven Activity Based costing

<sup>41</sup> - Solomons

برای تخصیص درست و منطقی قیمت گذاری دقیق تر محصولات تولیدی مطرح شد؛ که منجر به اصلاح روش ABC و ابداع TDABC گردید.

امروزه بسیاری از شرکت ها و سازمان ها که با روش های سنتی حسابداری و تأکید بر عناصر هزینه ای نمی توانند خواسته های خود را برآورده سازند به استفاده از ABB و تأکید بر اهمیت بودجه بندی از طریق فعالیت ها و مراحل آن روی آورده اند. هدف این نظام بودجه بندی (ABB) نشان دادن ارتباط بین منابعی است که سازمان برای مصرف آن ها جهت تولید محصولات برنامه ریزی می کند. به کمک ABB باید بر تولید محصولاتی که موفقیت سازمان را موجب می شوند، تمرکز یافت و سپس با مدیریت منابع سازمان اعم از زمان، پول، نیروی انسانی و غیره منابع بیشتر را به فعالیت هایی اختصاص داد که موجبات آنرا فراهم می سازند.

از دیگر دستاوردهای دوره مدرن و پست مدرن که بعنوان یک رویکرد فلسفی مدیریتی تلقی می شود، مدیریت بر مبنای فعالیت (ABM) است. در این رویکرد بنگاه اقتصادی به مثابه مجموعه ای از فعالیت های بهم پیوسته در نظر گرفته می شود که فعالیت ها در نهایت باید در خدمت ارزش آفرینی برای مشتریان قرار گیرند. هدف ABM عبارت از پاسخگویی به نیاز مشتریان یا حداقل استفاده از منابع سازمان است. در بودجه بندی سنتی هزینه ها برحسب حوزه های مختلف مسئولیت (دوایر) تفکیک می شوند درحالی که در رویکرد ABM، ضروری است که هزینه ها برحسب فعالیت ها تفکیک شده و بر این اساس اطلاعات سودمندی درخصوص بازده و نتایج هر یک از فعالیت ها و تحلیل و مقایسه هزینه های انجام یافته با نتایج (خروجی های) هر یک از فعالیت ها بدست آید.

یکی دیگر از ویژگی های مدرنیته و پست مدرنیته توسعه نظریه های مختلف در حوزه حسابداری است. اساس مدرنیته و پست مدرنیته گسستن از قید و بندهای نظریه کلان یا مطلق گرایی در حوزه نظریه است. نظریه های نمایندگی، بازار کارا و ... تحول عظیمی در حسابداری ایجاد نموده است. "فرانسوا لیوتار"<sup>۴۴</sup> از صاحب نظران پست مدرنیسم معتقد است که "عصر ساختن تئوری یا تئوری های کلان در باب سیاست و جامعه پایان یافته است". به نظر وی "عدم دسترسی به یک تئوری مطلق گرای اخلاقی و ارزشی" ویژه دوره نوگرایی است.

ابداع نظریه بازی ها، نظریه فازی، مکتب اقتصادی بازار اجتماعی (نفوذ مفاهیم این مکتب در ساختار نظریه های حسابداری زمینه رویکردهای اجتماعی در نظریه های حسابداری شده است)، نظریه حسابداری منابع انسانی و سرمایه فکری، نظریه محدودیت ها، نظریه یادگیری عقل گرایی و... بیانگر تکثر نظریه ها در سایه مدرنیسم و پست مدرنیسم است. در این دوران نظریه بازی ها و نظریه فازی در مباحث اقتصادی کاربرد گسترده ای یافت. مفروضات اصلی نظریه بازی ها، فردگرایی، عقلانیت و ارتباط دوطرفه بین افراد است، به گونه ای که افراد هوشیار و حسابگر هستند و عقلانی رفتار می کنند. در کنار

<sup>42</sup> - Copper

<sup>43</sup> - Kaplan

<sup>44</sup> - Francwa Lyotard

نظریه بازی‌ها، نظریه فازی کاربرد گسترده‌ای یافته است. امروزه می‌توان در تئوری‌های سازمان مدرن، کاربرد و سلطه دنیای احتمالات و دنیای فازی را بطور گسترده مشاهده نمود (دادگر، ۱۳۸۶).

### ۳. بحث و نتیجه گیری

پس از وقوع رنسانس فرهنگی در اروپا موج اول در مدرنیته با مضمون نوین‌گرایی همراه با پیشرفت برای نخستین بار مطرح که ضمن رهایی از سنت، منشأ اومانیزم و لیبرالیسم اولیه شد. آثار مدرنیته به شکل ملی‌گرایی، افزایش جمعیت، تمرکز قدرت، فردگرایی، خردباوری، اندیشه‌ورزی، رشد فن‌آوری و تکنولوژی، تولید انبوه، تخصصی شدن امور، همگن‌سازی و استانداردسازی امور و پدیده‌ها، انسان‌محوری، کنترل محیط و تطابق دادن محیط با نیازها و خواسته‌های انسان، پایان مطلق‌گرایی در نظریه‌ها، تکثر نظریه، قدرت گرفتن نهادهای مدنی و حرفه‌ای و... ظاهر شد. در این بین حسابداری بعنوان یک سیستم اطلاعاتی اهمیت ویژه‌ای یافت. به منظور انسجام و وحدت رویه اطلاعات مالی، نهادهای حرفه‌ای حسابداری شکل قدرتمندتری به خود گرفته و در اثر موج دوم مدرنیته ناشی از تنوع ابزار و روش‌ها و تکنیک‌های حسابداری و بالخصوص ورود رایانه به پردازش اطلاعات مالی، تحول عظیمی در حسابداری ایجاد و این نهادها ملزم به تدوین استانداردها و مقررات یکسان ارائه اطلاعات شدند. قدرت گرفتن نهادهای حرفه‌ای حسابداری ناشی از موج دوم مدرنیته به سبب تقویت نهادهای حرفه‌ای اجتماعی است.

در پرتو جهانی شدن و همگرایی جهانی، تمایل به اتحاد تشکل‌های حرفه‌ای حسابداری و تشکیل انجمن بین‌المللی حسابداری، وضع استانداردهای مالی و گزارشگری واحد که نمونه بارز آن IFRS می‌باشد پدیدار شد.

با عبور از بحران ناشی از مدرنیسم و ایجاد موج سوم تجدید که از آن بعنوان پست مدرنیسم یاد می‌شود، یک تحول تاریخی در حسابداری پدید آمده، به گونه‌ای که نهادهای حرفه‌ای حسابداری از تنوع، کثرت، بی‌سازمانی و پراکندگی در حوزه‌های قدرت استفاده بهینه نموده و ضمن تقویت سازوکارهای حرفه‌ای، در جهت همسان‌سازی استانداردهای گزارشگری اقدام نمودند.

مدرنیسم و پست مدرنیسم یک فرصت ارزشمند تاریخی برای حرفه حسابداری فراهم نموده که باید نهایت استفاده از آن شده تا از دخالت دولت‌ها و دیگر مراجع در فرآیند تدوین استانداردها ممانعت بعمل آید. از نتایج این فرصت تاریخی طرح دیدگاه‌ها و مباحث جدید در حوزه حسابداری از قبیل مدیریت مبتنی بر فعالیت، هزینه‌یابی مبتنی بر فعالیت، بودجه‌بندی مبتنی بر فعالیت، هزینه‌یابی مبتنی بر هدف، هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت مبتنی بر زمان و... می‌باشد. الزام به تأمین اطلاعات برای مدیران واحدهای اقتصادی، حسابداری را از رویکرد سنتی جدا و به سمت حسابداری مدرن سوق داده است. توجه به تفاوت‌های بهای تمام شده و حسابداری مدیریت نشان می‌دهد که ظهور حسابداری مدیریت و تکنیک‌های آن تحت تأثیر عواملی از قبیل رقابت، جهانی شدن، پیشرفت علم، رویکرد علمی شدن مدیریت و... که جملگی از مفاهیم مدرنیته است. در اثر مدرنیته و پست مدرنیته، سازمان‌ها به منظور بقای خود، به ارائه خدمات بهتر به

مشتریان، افزایش مستمر کیفیت، کاهش هزینه و مدیریت هزینه روی آورده‌اند؛ که متکی بر نظام اطلاعاتی حسابداری است.

بنیان مدرنیسم و پست مدرنیسم گسستن از قید و بندهای نظریه کلان یا مطلق گرایی در حوزه نظریه پردازی است. ظهور نظریه‌های جدید همچون نمایندگی، بازارکارا و... تحول شگرفی در حسابداری محسوب می‌شود. در پایان پیشنهاد می‌شود که درخصوص اثر مدرنیسم و پست مدرنیسم بر تشکلهای حرفه‌ای حسابداری و نیز اثر این دو بر همگرایی و یکسان‌سازی استانداردهای حسابداری تحقیق صورت گیرد.

### منابع:

۱. بابائی، پرویز. (۱۳۸۶). فرهنگ اصطلاحات فلسفه (انگلیسی-فارسی)، ص ۳۰۸.
۲. بشیریه، حسین. (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، نشر نی، چاپ اول.
۳. بشیریه، حسین. (۱۳۷۸). "هابرماس: نگرش انتقادی و نظریه تکاملی"، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۷۴-۷۳، ص ۸.
۴. تافلر، الوین. (۱۳۷۷). موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، نشر فاخته، ص ۲۵۵.
۵. دادگر، یداله. (۱۳۸۶). اقتصاد بخش عمومی، قم، مؤسسه انتشارات دانشگاه مفید، ص ۴۵۲.
۶. دراگر، پیتر. (۱۳۸۰). چالش‌های مدیریت در سده ۲۱، ترجمه عبدالرضا رضایی‌نژاد، تهران، نشر فرا، صص ۲۹ - ۱۵۵.
۷. رهنمای رودپشتی، فریدون؛ بهمن بنی‌مهد و سید جعفر میرسعیدی. (۱۳۹۳). "مدرنیته و حسابداری مدیریت"، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال سوم، شماره ۱۲.
۸. ساوجی، محمد. (۱۳۸۸). "مدرنیته و پسامدرنیته"، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۲، تابستان، ص ۱۷۲.
۹. عضدانلو، حمید. (۱۳۹۱). "کانت، مدرنیته و فرامدرنیته"، ماهنامه سیاسی و اقتصادی، شماره ۸۰-۷۹.
۱۰. علیمدد، مصطفی و نظام‌الدین ملک‌آرایی. (۱۳۹۴). اصول حسابداری. جلد اول، نشریه شماره ۷۸، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی، چاپ ۳۳، تهران.
۱۱. گلیجانی، مهرداد. (۱۳۸۰). اصول حسابداری. تهران، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۲. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). مدرنیته و هویت فردی، ترجمه امیر قاسمی، مشرق، دوره اول، شماره اول، دی ماه.
۱۳. مصاحب، غلام‌حسین. (۱۳۳۳). دائره‌المعارف فارسی، جلد سوم، صص ۲۷۰ - ۲۷۲.
۱۴. میرسپاسی، ناصر. (۱۳۸۳). مدیریت منابع انسانی و روابط کار، تهران، انتشارات میر.
۱۵. یزدخواستی، بهجت و علی اسماعیلی. (۱۳۸۵). "تحلیل علمی جهانی شدن از منظر جامعه‌شناسی"، مجله علوم انسانی و اجتماعی شمال، سال دوم، شماره دوم، ص ۴۹.

16. Boje, D & Dennehy, R. (2000). The story of postmodern word management.

17. Boje, D & Dennehy, R. (1999). Organizing, managing in the postmodern world.

## Modernism, Postmodernism and Accounting

Mehrdad Goleyjani \*<sup>1</sup>

### Abstract

Accounting has grown significantly during the transition from ancient history to the industrial Revolution and then to postmodernism. The present study sought to investigate the effect of modernism and postmodernism on accounting its growth and progress. The current study is a descriptive qualitative study and the post- event (historical) methodology is used. The results of this study indicated that accounting is indebted to modernism and post modernism. It provides a historical opportunity for accounting not only to increase the power of accounting profession but also to expand and develop the conceptual frameworks in the shadow of globalization. In the context of history, accounting has been on the path of growth from past to present, reached to maturity in modernity; and it will continue its gradual development in postmodernism

### Keywords

Accounting Growth, Industrial Revolution, Modernism, Postmodernism

1. Assistant Professor of Accounting Department, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran. (\* Corresponding Author: m.goleyjani1@yahoo.com).

